

"شکنجه سفید": استفاده از حبس های انفرادی

روشنفکران، نویسندگان، فعالان و محبوسین در ایران از عبارت "شکنجه سفید" برای حبس های انفرادی بدون ارتباط با خارج استفاده می کنند. شرایط حاکم بر حبس های انفرادی به گونه ای تنظیم شده است که اراده محبوسین شکسته شود و آنها تسلیم و حاضر شوند از آنها فیلم های ویدئویی تهیه شود، اعترافات را امضا کنند، و اطلاعات مربوط به موسسات و انجمن های سیاسی خود را بدهند. زندانیان در سلولهای انفرادی نگهداری شده و بسیاری از آنها در بازداشتگاه های سری محبوسند. این زندانها اغلب در زیرزمین بوده و بطور ۲۴ ساعته با نور غیرطبیعی روشن هستند. زندانیان انفرادی اغلب ارتباطی با یکدیگر ندارند و از تماس با اعضای خانواده خود و نیز دسترسی به وکیل و متخصصین بهداشتی و پزشکی محرومند.

مطابق قوانین بین المللی، حبس های انفرادی بلندمدت می تواند به سطح شکنجه برسد. افرادی که توسط "سازمان نظارت بر حقوق بشر" مورد مصاحبه قرار گرفتند تاکید کردند که تحمل حبس های انفرادی مطلق بسیار دشوارتر از آزارهای جسمی و شفاهی است. آنها از این هراس داشتند که هوش و حواس خود را از دست داده و نگران بودند که تحمل یک روز دیگر بدون تماس با انسان دیگر موجب شکستن اراده آنها شود.

زندانیان سابق تاکید داشتند که استفاده فزاینده از سلولهای انفرادی علیه منتقدین حکومت حاوی این پیام به سایرین که در فکر ابراز عقاید سیاسی خود هستند می باشد که: ارزش آن را ندارد. بسیاری از کسانی که حبس های انفرادی را تجربه کرده اند گفته اند: "من هنگامیکه از زندان بیرون آمدم دیگر آن آدم گذشته نبودم" (۶). تجربه انفرادی اثر طنین انگیزی بر روی جامعه دانشجویی و فعالان سیاسی داشته است. حکومت ایران با هدف قرار دادن رهبری فعالان دانشجویی و نیز نویسندگان و روزنامه نگاران بانفوذ توانسته است فضای رعب و وحشت در بین بخش های بزرگتر جامعه ایجاد کند.

یک نویسنده تاثیر سلول انفرادی بخش ۲۴۰ زندان اوین را چنین تشریح کرد:

از زمانی که من از اوین بیرون آمده ام نتوانسته ام بدون قرص خواب بخوابم. این بسیار وحشتناک است. تنهایی هرگز تو را حتی اگر زمان درازی از "آزادی" از زندان بگذرد رها نمی کند. هر دری که به روی تو بسته می شود بر روی تو اثر می گذارد. برای همین است که ما به آن "شکنجه سفید" می گوئیم: آنها هر چه بخواهند از تو می گیرند بدون آنکه ضربه ای به تو وارد کنند. آنها به اندازه کافی درباره تو می دانند که بتوانند اطلاعاتی که به

تو می رسد را تحت کنترل داشته باشند: آنها می توانند کاری کنند که تو باور کنی رئیس جمهور استعفا داده، و یا اینکه آنها همسر تو را در اختیار دارند، و یا اینکه فرد مورد اطمینان تو درباره‌ات به آن‌ها دروغ گفته است. به این ترتیب تو را می شکنند. همینکه شکسته شدی، آنها در کنترل هستند. و پس از آن تو شروع به اعتراف می کنی. (۷)

بر اساس "اصول بنیادی رفتار با زندانیان" حبس های انفرادی برای تنبیه افراد باید لغو شده و یا برای بکارگیری محدود آن تلاش شود. (۸)

گروه کاری حبس‌های انفرادی سازمان ملل متحد در گزارش اخیر خود درباره ایران خاطرنشان کرد:
این گروه کاری در دیدار ناتمام خود از بند ۲۰۹ زندان اوین برای اولین بار در طی تاریخ حیات خود متوجه استفاده بیسابقه و وسیع از حبس‌های انفرادی شد که نه بعنوان ابزاری در جهت مقاصد تنبیهی سنتی بلکه به عنوان هدف و غایت اعمال می شدند.

این موضوعی نیست که نظیر همه زندانها محدود به چند سلول انفرادی شود، بلکه "زندانی در درون زندان" است که با سوء استفاده از حبس‌های انفرادی برای آزار سیستماتیک، وسیع و اغلب طولانی مدت تعبیه شده است.

واقعیت این است که این نوع حبس ها به "اعتراف" گرفتن و توبه کردن‌های علنی (در تلویزیون) کمک کرده است. اما اظهاراتی از این قبیل علاوه بر ماهیت خفت‌باری که دارند به هیچ وجه بعنوان مدرک قابل قبول و استناد نیستند. (۹)

این گروه کاری همچنین تاکید کرد: "مطابق کنوانسیون منع شکنجه" اینگونه حبس های انفرادی مطلق در صورتیکه برای مدت طولانی اعمال شوند، بعنوان برخوردهای غیرانسانی تلقی خواهند شد. (۱۰)

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در قطعنامه‌ای در آوریل ۲۰۰۳ اعلام کرد: "حبس های طولانی و بدون ارتباط با جهان خارج می‌توانند نه فقط تسهیل کننده اقدامات شکنجه‌آور بوده و بلکه خود نیز شکلی از برخورد غیرانسانی و سبانه و حتی شکنجه محسوب شوند." (۱۱)

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در تشریح اصل هفتم ICCPR (کنوانسیون

بین المللی حقوق مدنی و سیاسی) خاطرنشان کرد که "حبس‌های انفرادی طویل‌المدت می‌تواند جزء اقدامات ممنوعه مندرج در اصل هفتم باشد." (۱۲)

از سوی دیگر سایر مشکلات حبس‌های انفرادی می‌تواند صدمات ناشی از اینگونه حبس‌ها را تشدید نماید. شرایط سلولها در زندان‌های ایران بسیار نامناسب است: سلولهای زیرزمینی و نیز سلولهایی که در آنها بطور ۲۴ ساعته از نورهای غیرطبیعی استفاده می‌شود به گونه‌ای طراحی شده‌اند که صدمات روانی و جسمی هر چه بیشتری به زندانی وارد آورند. حبس‌های بدون ارتباط با جهان خارج (Incommunicado detention)، محبوسین را از دسترسی به خانواده و یا وکیل مدافع خود محروم ساخته و تنها اجازه ملاقات با بازجویان و نگهبانان را می‌دهد. اینگونه حبس‌ها نه فقط صدمات روانی زیادی در پی دارد، بلکه با توجه به عدم وجود نظارت‌های بیرونی بر روند بازجویی احتمال زیادی دارد که به سطح شکنجه برسد. (۱۳)

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا اعلام کرده است که "انزوای کامل حسی همراه با انزوای مطلق اجتماعی شخصیت انسان را نابود کرده و با هیچ دلیل امنیتی و یا توضیح دیگری قابل توجیه نیست." (۱۴)

بخش‌های مختلف حکومت ایران که گاهی باهم در رقابت هستند، قسمت‌های مختلف سلولهای انفرادی زندان اوین را کنترل می‌کنند. افرادی که ما با آنها مصاحبه کردیم در بندهای ۲۰۹ و ۲۴۰ حبس بودند. بسیاری گزارش داده‌اند که در سلولهای انفرادی بیشتری در بخش ۳۲۵ در حال ساخت هستند. این بندها بر اساس کد تلفن داخلی خود نامگذاری شده‌اند. برای نمونه کد تلفن داخلی بخش ۲۰۹ زندان اوین "۲۰۹" می‌باشد.

بنظر می‌رسد که بند ۲۰۹ در کنترل وزارت اطلاعات قرار دارد. بند ۲۴۰ نیز تحت کنترل حفاظت اطلاعات قوه قضائیه می‌باشد. حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران هم بند ۳۲۵ را در اختیار دارد. (۱۵) برخی معتقدند بند ۲۰۹ گرچه ظاهراً تحت کنترل وزارت اطلاعات است اما در حقیقت در اختیار مامورین سپاه است. سازمان نظارت بر حقوق بشر نتوانسته است نوسانات قدرت در درون زندان و نیز هویت حقیقی کسانی که سلولهای انفرادی را در کنترل دارند تایید نماید. زیرا زندانیان همواره با چشمان بسته بین بندها جابه‌جا می‌شوند. زندانیان سابق از شرایط و برخوردهای متفاوتی که در بندهای گوناگون با آنها می‌شد سخن گفتند و نیز بازجویی‌های صرف عقیدتی و سیاسی انجام شده با آنها را تشریح نمودند. آنچه قابل توجه است شباهت‌هایی (نه تفاوتها) است که بین تجربیات زندانیان سلولهای انفرادی به چشم می‌خورد.

سابقه استفاده از بند ۲۰۹ که مخوف‌ترین بخش زندانیان سیاسی بشمار می‌رود به پیش از انقلاب ۱۹۷۹ باز می‌گردد. (۱۶) یکی از افرادی که در دهه

۱۹۸۰ در بند ۲۰۹ زندان اوین حبس بوده است به "سازمان نظارت بر حقوق بشر" گفت: "آنها در هنگام ساخت بندهای ۲۴۰ و ۳۲۵ از تجربیات خود در بند ۲۰۹ بهره برده و سلولهای جدیدتر را به گونه‌ای ساختند که امکان ارتباط بین سلولها وجود نداشته و هیچ صدایی شنیده نشود." (۱۷) "گروه کاری حبس‌های خودسرانه" در فوریه سال ۲۰۰۳ اجازه‌نامه رسمی برای دیدار از زندان و گفتگو با زندانیان اخذ نمود. نمایندگان این گروه با همراهی مقام‌های دفتر رئیس‌جمهور خاتمی به زندان اوین رفته اما بطور بی‌ادبانه و بدون هیچ توضیحی از بند ۲۰۹ به بیرون برده شدند. راهنماهای حکومتی آن‌ها هیچ اعتراضی نکردند: بنظر می‌رسد که مقام‌های معمولی از جمله نگهبانان و افسرهای پلیس اختیارات چندانی در راهروهای سلولهای انفرادی ندارند.

برخی زندانیان پیش از آن‌که به سلولهای انفرادی اوین منتقل شوند در بندهای عمومی نگهداشته می‌شوند. اما کسانی که توسط لباس‌شخصی‌ها دستگیر می‌شوند مستقیماً سر از سلولهای انفرادی در می‌آورند. در بند ۲۰۹ زندانیان از پله‌ها پایین رفته و به زیرزمینی می‌روند که دارای چهار سالن می‌باشد. هر یک از این سالنها دارای ۱۲ سلول انفرادی می‌باشد. یک ردیف از سلولها به زندانیان زن اختصاص یافته است. اندازه این سلولها یک متر در دو متر بوده و سقف آن‌ها نیز چهار متر ارتفاع دارد. سقف هر سلول دارای یک چراغ است (به گفته بیشتر زندانیان این لامپ‌ها ۴۰ وات هستند) که بطور ۲۴ ساعته روشن می‌باشد. سلولهای بند ۲۰۹ دارای یک توالت و دستشویی نیز هستند. به گفته بیشتر زندانیان کف این سلولها از گچ ساخته شده است. به زندانیان یک پتو، یک جفت جوراب، و یک لیوان یکبار مصرف داده می‌شود. دیوارهای سلولها همه سفید هستند. برخی زندانیان هر ۲۴ ساعت به مدت ۲۰ دقیقه به قفسی که در فضای باز قرار دارد برده می‌شدند. اما سایرین به جز هنگام ورود و یا خروج از دادگاه به فضای باز برده نشدند.

به زندانیان گفته نمی‌شد که چرا به سلولهای انفرادی برده می‌شدند، یا چه مدت زمانی باید در آنجا حبس باشند و یا اینکه آیا هیچ راهی برای آزادی و یا بازگشت به بند عمومی وجود دارد یا خیر. بسیاری از زندانیان از اتهام‌های خود خبر نداشته و یا اینکه اتهام‌هایشان پس از حضور در دادگاه تغییر می‌کرد. در هنگام بازجویی‌ها آزادی و یا بازگشت آنها به بند عمومی مشروط به امضا نمودن اعتراف و یا ضبط ویدئویی تجدید نظر در دیدگاه‌هایشان و یا اعترافاتشان می‌شد.